



نوشته : دوشیزه شیرین عبادی (دادرسی دادگاه اطفال)

## « اطفال بزھکار »

پس از جنگ جهانی دوم بزھکاری اطفال بعللی که ذکر خواهد شد بطور سرسام آوری رو به افزایش نهاد. بنحوی که در برخی از ممالک پس از چند سال تعداد مجرمین خرد سال بسدو برابر زمان قبل از جنگ رسید. آمار منتشره و بررسی محاکم و دارالتأدیبها بخوبی نمایشگر این واقعیت بودند که قوانین و وسایل موجود ناقص بوده و نمیتوانند تأثیری در پیشگیری جرائم و تربیت و تهذیب اطفال داشته باشند. لذا جوامع بشری با وجود گرفتاریها و مشکلات سیاسی درصدد چاره جوئی برآمدند و قوانین مربوط به اطفال بزھکار و دارالتأدیبها را مورد تجدید نظر قرار دادند.

در این دوره حقوقدانان و متخصصین حقوق جزا بر آن شدند که با مجازات و تنبیه نمیتوان از بزهکاری اطفال و تکرار جرائم پیشگیری کرد بلکه بایستی پس از شناسائی انگیزه و علل ارتکاب جرم و شخصیت طفل با اجرای روشهای اصلاحی و تربیتی و درمانی آنانرا فردی اجتماعی بار آورده و با اجرای قوانین و مقررات اجتماعی عادت داد. عقاید دانشمندان فوق الذکر در تدوین قوانین مخصوص اطفال بزهکار موثر بوده و لزوم شناسائی شخصیت طفل بمنظور اتخاذ روشهای خاصی مهمترین انگیزه تشکیل داد گاه اطفال در دنیای امروز بوده است بنحوی که هم اکنون در اکثر قریب باتفاق ممالک جهان محاکم خاصی برای رسیدگی به جرائم اطفال بزهکار ایجاد گردیده است و مجازاتهای خاص اطفال مجرم بیشتر ناظر باصلاح و تربیت میباشد. در ایران قانون تشکیل داد گاه اطفال بزهکار در تاریخ ۱۳۳۸ به تصویب رسید ولی از آذر سال ۱۳۴۵ با ایجاد قانون اصلاح و تربیت عملاً اجراء گردید.

قانون اصلاح و تربیت که جانشین دارالتأدیب سابق میباشد تحت نظر داد گاه اطفال و با همکاری عده ای پزشک - روانپزشک - مربی - مددکار اجتماعی - آموزگار و آموزگار تعلیمات حرفه ای اداره میگردد و از سه قسمت تشکیل گردیده است.

- ۱- قسمت نگهداری موقت ۲ - قسمت اصلاح و تربیت
- ۳- قسمت زندان

اطفالی که محکوم باقامت در قانون اصلاح و تربیت میگردد موظف هستند طبق برنامه قانون در هفته ۳۶ ساعت در کلاسهای

درسی یا در کار گسادهای فنی حرفه‌ای به تحصیل یا کارآموزی اشتغال داشته و روزی يك ساعت ورزش نمایند. مدیران اصلاح و تربیت موظف است حداقل سه ماه یکبار گزارش کاملی از وضع رفتار و اخلاق هر طفل و پیشرفت‌هایی که حاصل کرده بر رئیس دادگاه اطفال بدهد. این گزارشها تحت شرایط خاصی میتواند باعث تقلیل مجازات طفل گردد.

مطابق قانون دادگاه اطفال بزهدار رسیدگی بجرائم اطفال کمتر از ۱۸ سال در صلاحیت دادگاه اطفال میباشد کلیه مراحل بازپرسی و محاکمه سری بوده و غیر از طفل متهم و ولی او و وکیل مدافع و دادستان و شاکی خصوصی شخص دیگری حق حضور در دادگاه را نداشته و انتشار جریان محاکمه بوسیله مطبوعات یا رادیو یا فیلمبرداری و بطور کلی افشاء هویت و مشخصات متهم بهر نحو دیگر ممنوع میباشد.

از حیث شدت وضع مجازات میتوان اطفال را بچند دسته تقسیم نمود.

۱- اطفال تا سن ۶ سال که اینگونه کودکان چنانکه مرتکب جرمی شوند از مجازات معاف میباشند.

۲- اطفالیکه سن آنان بیش از ۶ سال تمام و تا ۱۲ سال است که دونوع مجازات برای اینگونه کودکان تعیین شده است:

الف - تسلیم به اولیاء یا سرپرست با اخذ تعهد به تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل

ب - اعزام به قسمت اصلاح و تربیت قانون اصلاح و تربیت بمنظور تأدیب و تربیت برای مدت يك تا شش ماه

۳- اطفالیکه سن آنها بین ۱۲ تا ۱۸ سال تمام است، که

اینگونه اطفال هر گاه مرتکب جرمی شوند بر حسب مورد تصمیمات زیر اتخاذ میگردد:

الف - . . . .

ب - سرزنش و نصیحت بوسیله قاضی دادگاه.

ج - اعزام به قسمت اصلاح و تربیت کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یکسال.

د - اعزام به قسمت زندان کانون اصلاح و تربیت از ۶ ماه تا ۵ سال - ولی باید متوجه بود که تصمیم اخیر در موردی اتخاذ میگردد که اولاً سن متهم بیش از پانزده و کمتر از ۱۸ سال باشد. و ثانیاً طفل متهم به ارتکاب جرمی از درجه جنایت باشد. مطالبی که عرض شد تاریخچه مختصری از دادگاه اطفال بزهدار بود و اکنون بررسی علل بزهداری اطفال و طرق پیشگیری آن میپردازیم.

بزهداری از قدیمیترین ایام در هر اجتماع وجود داشته است بنحوی که میتوان بزهداری را يك پدیده تقریباً اجتناب ناپذیر اجتماع دانست. از قدیم الایام علت ارتکاب بزهدارین مختلف تعبیر و تفسیر میشد. در یونان قدیم علت ارتکاب جنایت را تقدیر یا سرنوشت میدانستند. با ظهور مسیح موضوع سرنوشت از اعمالی که شخص بسا اراده و قوه و تمیز انجام میداد تفکیک شد و افراد سالمی که با اراده و اختیار مرتکب جرم میشدند بمجازات اعمال خود میرسیدند.

با پیشرفت تمدن در خصوص علل ارتکاب جرائم عقاید متفاوتی بوجود آمد فرضاً شواهد لمبروزو، وضع جسمانی و ساختمان خارجی کاسه سر و جمجمه افراد مجرم و علل ارثی را موثر در ارتکاب جرم دانسته و معتقد بود که تعلیم و تربیت ظاهراً اینگونه اطفال

را کمی تغییر میدهد ولی در اصل ماهیت آنان تأثیر ندارد .  
پیروان مکتب جامعه شناسی کیفری معتقدند که پدیده  
جنائی در نتیجه زندگی در اجتماع و عکس العمل آن است -  
برخی دیگر از فلاسفه با پیروی از عقاید کارل مارکس جرائم را  
ناشی از تأثیرات اقتصادی میدانند بطور خلاصه در این زمینه  
عقاید گوناگونی وجود داشته است و برای ارتکاب جرائم علل  
فراوانی را ذکر نموده اند از جمله شرایط آب و هوا و اقلیم عوامل  
توارث بیماریهای مزمن والدین از قبیل سل و سفلیس - اعتیاد  
والدین به الکل و مواد مخدر- نقص جسمانی - اختلالات روانی  
بیماریهای گوناگون که اطفال بدان مبتلا میگردند و غیره .

اما آنچه که در خصوص علل بزهکاری اطفال میتوان بدان  
تکیه نمود اینست که تنها استعداد شخص و یا نقیصه جسمی یا  
روحی برای ارتکاب جرم کافی نیست. کودک تحت تأثیر همه عواملی  
که در محیط اطراف او وجود دارد رشد میکند و همه عوامل  
و واکنشها حالت مزاجی - محیط مدرسه و معلم - معاشرت با  
دوستان - شرکت در تفریحات و امور اجتماعی مختلف دیگر  
در تکوین شخصیت طفل موثر هستند بنحوی که میتوان گفت  
محیط زیست و تعلیم و تربیت بیش از کلیه عوامل دیگر در بزهکاری  
اطفال موثر میباشد .

اکنون موضوع مورد بحث ما این است که برای تقلیل  
جرائم اطفال چه محیطی میباشد ایجاد نمود تا بتوان با این بلیه  
اجتماعی مبارزه کرد .

همانطوریکه علم طب از دو موضوع بحث میکند یکی، طرق  
جلوگیری از بروز مرض و دیگری درمان آن اینجانب نیز عرایض

خود را بدو قسمت تقسیم میکنم - اول طرق پیشگیری از ارتکاب جرائم - دوم اتخاذ تدابیر لازم برای جلوگیری از تکرار جرائم.

### قسمت اول - پیشگیری از جرائم

همانطوریکه عرض شد بزهکاری اطفال بنحو سرسام آوری روبه افزایش است. از بدو تأسیس دادگاههای اطفال بزهکار تا کنون تقریباً همه ساله بطور متوسط ۶۲۰۰ پرونده باین محاکم ارجاع گردیده است که باتوجه باینکه در غالب پروندهها تعداد متهمین دو-سه و یا چند طفل بزهکار میباشد لذا بخوبی میتوان ادعا کرد که همه ساله فقط در شهر تهران حداقل ۸۰۰۰ طفل مرتکب جرم میشوند و متأسفانه این آمار هر سال سیر صعودی خود را طی میکند. اینجانب با سابقه کاری که در دادگاه اطفال بزهکار داشته و آزمایشهاییکه شخصاً بر روی بیش از ۵۰۰ طفل مجرم انجام داده‌ام به نتایجی رسیده‌ام که اکنون تحت عنوان «هفت توصیه برای اولیاء» بیان نموده و از والدینی که مایل نیستند فرزند دلبند آنان خدای نا کرده روزی جزء این آمار محسوب گردد تقاضای بذل توجه میشود.

### توصیه اول

از طلاق بپرهیزید و از ایجاد کدورت در کانون خانوادگی جلوگیری کنید. چه جدائی و اختلاف پدر و مادریکی از مهمترین علل بزهکاری اطفال میباشد. چنانچه از هر صد طفل مجرم ۶۴ نفر اظهار داشته‌اند که بعلمت فوت یا طلاق از محبت یکی از والدین خود محروم بوده‌اند. بنابراین اولین توصیه ما این است که طلاق را بچشم یک راه حل ابتدائی نگاه نکرده بلکه آن را بعنوان یک راه حل نهائی قبول کنید.

## توصیه دوم

برای کودکان محیط اطمینان بخشی فراهم کنید از ایجاد تبعیض بین آنان بپرهیزید و بطریقی صحیح و عاقلانه به اطفال خود محبت کنید. چه همانطوریکه ستیزه جوئی و رفتار خشونت آمیز والدین و اطرافیان با کودک و عدم توجه و درك خواسته‌ها و حوائج جسمی و روحی طفل سبب ناراحتی روانی در کودک و ایجاد حالت یاغیگری و سرکشی در او میشود همانطور هم زیاده روی در محبت طفل را خود پسند بار آورده طفل تصور میکند که در اجتماع نیز مانند منزل انجام هر عملی برای او مجاز است نتیجه این طرز تفکر بی‌اعتنائی بقوانین و مقررات اجتماعی میباشد و عدم رعایت نظم و مقررات اجتماعی برای اینگونه افراد يك امر عادی بوده و قبح خود را از دست میدهد. تخلفات رانندگی جوانان اکثراً از این قبیل بوده و بد نیست بدانید از هر صد طفلی که بداد گاه اطفال بز هکار معرفی میشوند ۲۵ نفر آنان با اتهام رانندگی بدون پروانه و غیر مجاز ماشین و موتور سیکلت و ایراد جرح در حین رانندگی محاکمه میشوند.

## توصیه سوم

در سنین ۱۵ تا ۱۸ سالگی شدیداً فرزندان خود را تحت کنترل قرار دهید چه دوره لغزش جوانان بیشتر در سنین مذکور میباشد. طبق آمار حاصله از هر صد طفل مجرم فقط ۱ نفر ۹ ساله ۴ نفر ما بین ۱۰ تا ۱۲ و ۲۲ نفر ما بین ۱۲ تا ۱۵ ساله و بقیه یعنی ۷۲ نفر بین ۱۵ تا ۱۸ ساله میباشد.

## توصیه چهارم

برای اطفال میبایستی مسکن و وضعیت مناسب فراهم نموده

وحتی‌الامکان از تغییرناگهانی محیط و مهاجرت از محلی به محل دیگر و یا تعویض بدون دلیل مدرسه خودداری گردد .

چه تغییر محیط و از دست دادن دوستان قدیم و عدم توانایی طفل برای انطباق با محیط جدید یکی از عوامل جرم‌زا می‌باشد. چنانچه از هر صد طفلی که در دادگاه اطفال بزه‌کار تهران محاکمه میشوند چهل نفر شهرستانی بوده و عدم آشنائی به محیط جدید را باعث گمراهی خود معرفی کرده‌اند .

#### توصیه پنجم

معاشرت با دوستان ناباب یکی از علل مهم سقوط اخلاقی کودک می‌باشد.

اطفال در حالت دست‌جمعی خطرناک‌تر میشوند زیرا با ایجاد یک روحیه تلقینی و باتکاء یکدیگر جلورفته و از هیچ مجازاتی هراس ندارند. بد نیست بدانید از هر صد طفل مجرم ۵۰ نفر به تنهائی مرتکب جرم شده و ۵۰ نفر بقیه شریک جرم دارند.

#### توصیه ششم

متوجه تفریحات اطفال خود باشید - سینما - تئاتر - تلویزیون - تریا دانسینگ - مطبوعات و مجلات چنانچه گمراه‌کننده باشند بخوبی میتوانند آتیه فرزند شما را خراب کنند.

#### توصیه هفتم

با تلقین و تعلیم و تربیت صحیح در اطفال روحیه مذهبی ایجاد نموده و با آنها تفهیم نمائید آنچه را که بر خود نمی‌پسندند به دیگران روا ندارند.



## قسمت دوم - درمان مجرم و جلوگیری از تکرار جرم

با نتیجه گیری از مطالب فوق الذکر بخوبی میتوان ادعا نمود که اطفال مجرم نتیجه تربیت غلط و محیط اجتماعی فاسد میباشند و چنانچه آنان در شرایط بهتری زندگی میکردند هرگز کرد اعمال خلاف نمیکشتمند بنا براین اجتماع باینگونه اطفال مجرم و محروم مدیون بوده و بایستی دین خود را ادا نماید.

اکنون چنانچه طفل مجرمی مورد محاکمه قرار گیرد دیگر او را بعنوان يك جانی بالفطره نگاه نمیکنند بلکه او را بیماری میدانند که تحت تأثیر عوامل اجتماعی و اقتصادی و محیط خانوادگی و غیره مرتکب جرم گردیده است و با تشکیل پرونده شناسائی شخصیت طفل و با همکاری متخصصین - علل ارتکاب جرم را بررسی و مشکلات اجتماعی و ناراحتی های روانی او را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و حتی الامکان نسبت به رفع موانعی که سبب عدم تطبیق رفتار و اعمال طفل در اجتماع گردیده است اقدام میشود و چنانچه موقعیت اقتضا نماید با دادن هشدار به اولیاء و اخذ تعهد به تعلیم و تربیت طفل را به والدینش تحویل میدهند. اما در صورتی که طفل ولی یا سرپرستی نداشته و یا بعللی والدین کودک صالح برای نگهداری او نباشند او را بکانون اصلاح و تربیت اعزام میدارند. در کانون کلیه وسائل آموزشی و تعلیم و تربیت اطفال از مدرسه گرفته تا کتابخانه و کارگاههای حرفه ای و تلویزیون و سینما و انواع و اقسام وسایل ورزشی مهیا بوده و کودکان تحت نظر مربیان کار آزموده و مددکاران اجتماعی و روانشناسان مجرب و آموزگاران دلسوز مدت اقامت خود را در کانون سپری کرده و بار و حیه ای تازه و طرز فکری نو بدنیای آزاد قدم میگذارند.

اما مشکل اساسی این گونه اطفال از همین لحظه مجدداً شروع خواهد شد - چه آنان بعزت شرایط نامساعد خانوادگی و محیط اجتماعی فاسد ناگزیر به اقامت در کانون شده بودند و اکنون با تمام مدت مجازات ورهائی از کانون دوباره تحت تأثیر همان عوامل قرار میگیرند . کمک و مساعدتی که باینگونه اطفال میتوان نمود این است که آنان را در محیط سالم دیگری نگهداری نمود تا بسن رشد و تکامل عقلی برسند اما متأسفانه پرورشگاهها از قبول چنین کودکانی بعد از نداشتن محل سر باز زده و انجمن حمایت زندانیان نیز کمک مؤثری نمیتواند در این زمینه بنماید . بنابراین توجه به وضع این زندانیان آزاد شده و ایجاد مسکن و همچنین کار مناسب برای آنان اولین قدم در راه جلوگیری از تکرار جرائم اطفال میباشد . خوشبختانه وزارت دادگستری متوجه این نکته بوده و بموجب طرحهایی که بزودی بمرحله اقدام در خواهد آمد برای اینگونه اطفال مأوا و مسکن مناسبی در نظر گرفته خواهد شد . در اینجا بایستی اضافه کرد که کمک دولت لازم است ولی کافی نیست . آنچه که در این مقام نهایت ضرورت دارد مساعدت و همکاری یکایک افراد این جامعه در بهبود وضع اینگونه اطفال میباشد ، بخصوص پدران و مادرانی که از موهبت داشتن فرزندان سالم و سربراه برخوردارند بایستی بشکرانه این نعمت در بهبود وضع اطفال بی سرپرست اقدام نموده و باتشکیل مجامعی که هدف آنها تهیه مسکن و کار مناسب برای این گلهای پرپر شده اجتماع است دین خود را به جامعه ادا نمایند .